



تأمین خواسته و خسارت احتمالی در سند تجاری

پدیدآورنده (ها) : بقال شیروان، محمود

حقوق :: نشریه فتاوت :: آذر و دی ۱۳۹۰ - شماره ۷۳

صفحات : از ۴۵ تا ۴۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/888576>

تاریخ دالود : ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- مرجع صالح برای رسیدگی اعتراض شخص ثالث به رای و اعتراض ثالث اجرایی (با تاکید بر رویه قضایی ایران)
- مقایسه دعوی تخلیه و خلع ید از حیث ماهیت
- مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه
- «سبب»، امور موضوعی و توصیف آن‌ها در دعوی مدنی
- صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی در اسناد تجاری (بررسی نظرات مخالفان، موافقان، آراء و رویه قضایی)
- تأمین خسارات احتمالی در دستور موقت
- تحلیل حقوقی دعوی اثبات مالکیت
- تصحیح اعمال ناقص در دادرسی مدنی
- بررسی ابعاد و ماهیت حقوقی چک سفید امضاء
- تحلیل تطبیقی ساختار و ماهیت حقوقی قرارداد تسهیلات مشارکتی در حقوق تجارت بین الملل و حقوق ایران
- مبانی دعوی رفع تصرف عدوانی در حقوق ایران - مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه -
- چک سفید امضاء و ماهیت حقوقی آن

عناوین مشابه

- صدور قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی در اسناد تجاری (بررسی نظرات مخالفان، موافقان، آراء و رویه قضایی)
- جبران خسارت ناشی از اشتباهات ثبتی در حقوق ایران و بین‌الملل و ارتقای اعتبار سند رسمی از طریق بیمه مالکیت و رسیدگی‌های شبه قضایی
- ارزش آفرینی نام تجاری در روابط راهبردی تأمین کننده و واسطه
- مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد
- مسوولیت مدیران شرکت تجاری ناشی از امضای سند تجاری شرکت با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در حقوق انگلیس و ایران
- بررسی مسوولیت خواهان نسبت به خسارت های طرف دعوا در اثر تأمین خواسته و دستور موقت
- بررسی معیارها و ارائه مدل انتخاب همکار تجاری در زنجیره تأمین مواد و قطعات
- ارزیابی توسعه داشبورد سازمانی با منطق هوش تجاری در شرکت‌های تولیدی و صنعتی: مطالعه موردی شرکت طراحی مهندسی و تأمین قطعات ایران‌خودرو (ساپکو)
- حضور بیمه گر و صندوق تأمین خسارت های بدنی در دعوی مسوولیت مدنی
- راهکارهای جبران خسارت تجاری در اسناد و رویه سازمان تجارت جهانی با تاکید بر اقدامات حفاظتی و ضد دامپینگ

تامین خواسته و خسارت احتمالی در سند تجاری چک

◀ محمود بقال شیروان
رئیس شعبه ۱۰۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران

چکیده: یکی از امتیازات سند تجاری وخواست شده، استفاده از تاسیس حقوقی تامین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی است. لیکن پس از صدور رای وحدت رویه شماره ۵۳۶ در سال ۶۹ بین محاکم دادگستری و حقوقدانان تهافت رویه و عقیده ایجاد شده است. این اختلاف ناشی از استنباطهای مختلف از منطوق و مفهوم رای وحدت رویه فوق می‌باشد. به گونه‌ای که عده‌ای معتقدند چنانچه دارنده چک پس از ۱۵ روز از موعد چک نسبت به اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک محال علیه اقدام ننماید از این مزیت محروم خواهد شد. مقاله حاضر به مذاقه در نقطه نظرات طرفین و بررسی ادله هر یک می‌پردازد.

واژگان کلیدی: خسارت احتمالی، تامین خواسته، سند تجاری، رای وحدت رویه.

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۸/۱۱
B.shirvan.m@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۵/۳۱
نویسنده پاسخگو: مجتمع قضایی عدالت



را دارد علاوه بر مزایای فوق فوایدی نیز بر این اسناد مترتب می‌باشد که عمده‌ترین آنها به این قرار می‌باشد: ۱- وسیله اعتبار هستند. بدین صورت که در معاملات نسبه که گردش بازرگانی مبتنی بر آن است خریدار برابر کالای خریداری شده سفته یا چکی معادل وجه کالا به فروشنده می‌دهد. در واقع این اسناد در بسیاری موارد کار پول را انجام می‌دهد و از گردش نقدینگی در جامعه می‌کاهد. ۲- وسیله انتقال طلب و دین است. بنابراین ضرورت ندارد از وجه نقد آن هم به مقدار زیاد که در معرض آفات بسیاری است استفاده کرد. ۳- وسیله پرداخت هستند.

همان‌گونه که فوقا اشاره شد از مزایا و وجوه تشابه سند تجاری و سند رسمی مطابق بندهای «الف» و «ج» ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۷۹ درخواست صدور قرار تامین خواسته و توقیف اموال مدیون بدون تودیع خسارت احتمالی است. البته شایان ذکر است که مقنن به موجب قوانین متفرقه دیگر و بنا به ملاحظاتی بعضی از امور و اسناد را از این امتیاز برخوردار نموده است. از جمله آنها می‌توان به ماده ۲۲۱ قانون امور حسبی و ماده ۲۱۸ مکرر قانون مدنی و ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری اشاره کرد. همچنین به عنوان آخرین مقرر در این مورد می‌توان از ماده ۷ قانون تسهیل اعطاء تسهیلات بانکی مصوب ۸۶/۴/۵ نام برد این ماده چنین اشعار می‌دارد که: «کلیه قراردادهای چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تادیه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دایر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می‌باشد. مسئولیت ظهنویس چک موضوع ماده ۳۱۴ قانون تجارت هم بر اساس این شرایط تحقق می‌یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در

سند تجاری برزخ و حد وسط اسناد رسمی و عادی می‌باشد. به عبارت دیگر سند تجاری از حیث برخورداری از امتیازات قانونی حد فاصل سند رسمی و عادی است. به این معنی که از بعضی امتیازات اسناد رسمی برخوردار است و در بعضی مواقع آثار و احکام اسناد عادی بر آن مترتب خواهد شد. به تعبیر دیگر سند رسمی نوشته‌ای است که در نزد مأمور رسمی و یا دفتر اسناد رسمی در حدود صلاحیت آنها تنظیم شده است (ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی). بنابراین چون اسناد تجاری خارج از شمول تعریف سند رسمی هستند به ناچار سند عادی تلقی می‌گردند معذالک مزایایی بر اسناد عادی دارند که آنها را برزخ اسناد عادی و رسمی قرار می‌دهد. عمده‌ترین این مزایا عبارتند از: ۱- مسئولیت تضامنی امضاکنندگان ۲- مرور زمان اختصاصی ۳- قابلیت واخواست ۴- مسئولیت کیفری در مورد چک و لازم‌الاجرا بودن آن ۵- اعتبار اسناد تجاری نزد بانک‌ها و اشخاص ۶- امتیاز در تامین خواسته بدون تودیع زیان احتمالی طرف. مثلاً در مطالبه وجه مستند به سند تجاری در صورت اجتماع کلیه شرایط قانونی خواهان برای اخذ تامین خواسته و توقیف اموال بدهکار نیازمند تودیع خسارت احتمالی نیست و این امتیاز بزرگ است که اسناد رسمی و اسناد تجاری وخواست شده از آن برخوردار هستند. همچنین چک به موجب ماده ۲ قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ در حکم اسناد لازم‌الاجرا است و دارنده چک می‌تواند پس از اخذ گواهی عدم پرداخت از بانک محال علیه مطابق آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه آن را با صدور اجرائیه و توقیف اموال مدیون از طریق دایره اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت استیفا و وصول نماید. وجه افتراق سند تجاری و رسمی نیز بسیار است. امضاء ذیل اسناد تجاری مانند اسناد عادی قابل تردید و انکار می‌باشد حال آنکه در اسناد رسمی صرفا ادعای جعل قابلیت استماع

مبنای این اصل راهبردی و نیز با توجه به اصول متعدد قانون اساسی اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی که از نمایندگان منتخب ملت تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد خواهد بود (اصل ۵۸) از جمله آثار اصل تفکیک قوا، ممنوع بودن قضات از دادن حکم کلی است. جدایی و استقلال قوه قضائیه ایجاب می‌نماید که اعتبار رای محدود به دعوا و دو طرف آن باشد و برای دادگاه‌ها در آینده محدودیتی به وجود نیاید. به اضافه اگر قرار بر این شود که هر دادرسی بتواند نظر خود را به صورت کلی اعلام کند و این نظر سایرین را پایبند سازد دیرینه نخواهد پایید که در هر گوشه‌ای از کشور قاعده خاصی حکم‌فرما شود و اصل تساوی مردم در برابر قانون و وحدت حقوقی دچار اختلال گردد. به همین جهت ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی اصل ممنوع بودن دادگاه از صدور حکم کلی را به صراحت اعلام می‌کند و می‌گوید: «دادگاه‌ها مکلفند در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند» با وجود این در پاره‌ای از موارد قانون‌گذار مصالح یاد شده را فراموش کرده و به خاطر حفظ وحدت رویه به بعضی از آرای دیوان کشور اعتبار مطلق داده است. ماده واحده مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ و نیز در آخرین اقدام ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی در امور کیفری مصوب سال ۷۸ با تعمیم حکم به همه دادگاه‌ها تجاوز به این اصل را کامل ساخته است. مطابق این ماده: «هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند؛ مکلفند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نیز می‌توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیات عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم روسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رای اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود. آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی‌اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم می‌باشد.» از نظر اصول این مواد به طور مسلم با اصل جدایی قوای سه‌گانه و قانون اساسی مخالف است زیرا به این وسیله دیوان کشور مجاز شده است که در وظایف ویژه قانون‌گذاری دخالت کند و به وضع قواعد کلی که از خصایص قانون است مبادرت ورزد.

نتیجه‌ای که از مباحث فوق استحصال می‌گردد این است که اختیار و وظیفه دیوان عالی کشور برخلاف اصول کلی بوده و صرفاً جنبه استثنایی دارد و بنابراین در اجرای آن باید به قدر متیقن‌ها اکتفا شده و این اختیار را به صورت مضیق تفسیر و تعبیر کرد و در مقام ایجاد وحدت رویه هنگام حدوث اختلاف در استنباط محاکم از قوانین صرفاً در محدوده موضوع متهاافت مستحده اظهار نظر کرده و از اظهار عقیده در باب موضوعی که خارج از دایره نزاع است پرهیز شود. حال چنانچه هیات عمومی دیوان عالی کشور در خصوص مطلبی خارج از موضوع اختلاف اظهار نظر نماید. این نظر صرفاً جنبه ارشادی دارد و لازم‌الاتباع برای محاکم تالی نخواهد بود. رجوع به سابقه امر در رای وحدت رویه شماره ۵۲۶ هیات عمومی دیوان روشن می‌سازد که علت بروز اختلاف ناشی از تلقی‌های مختلف محاکم از گواهی عدم پرداخت‌هایی می‌باشد که بعضی از شعب آن را در حکم و اخواست نامه دانسته و بعضی دیگر با عنایت به نص ماده ۲۹۵ قانون تجارت که مقرر داشته «هیچ نوشته‌ای نمی‌تواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراض نامه شود مگر در موارد مندرجه

ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند. بنابراین گواهی بانک محال‌علیه دائر به عدم تادیه وجه چک که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده به منزله واخواست می‌باشد. جمله معترضه آخر «که در مدت ۱۵ روز به بانک مراجعه شده» خود نزاع جدیدی را آغاز کرد به این ترتیب که عده‌ای عقیده پیدا کردند که از آنجا که رای وحدت رویه در حکم قانون می‌باشد و در این رای به واخواست در مدت ۱۵ روز اشاره شده است بنابراین چنانچه بعد از ۱۵ روز از تاریخ صدور چک به بانک ارائه و منتهی به گواهی عدم پرداخت شود درخواست صدور قرار تامین خواسته از سوی دارنده چک اجابت نمی‌شود و به عبارتی اجابت درخواست خواهان منوط به تودیع خسارت احتمالی خواهد بود. عده‌ای دیگر برعکس گروه نخست بر این نظر و رای بوده‌اند که رای وحدت رویه فوق صرفاً در مقام اظهار نظر در خصوص وضعیت و اثر گواهی عدم پرداخت بانک محال‌علیه می‌باشد و لاغیر و رعایت مهلت ۱۵ روزه همان‌گونه که در ماده ۳۱۵ قانون تجارت به آن اشاره شده ناظر به استماع دعوی علیه ظهرنویس می‌باشد. قائلین نظر نخست جز تمسک به منطوق رای وحدت رویه فوق دلیل و برهان دیگری اقامه نکرده‌اند و همین مقدار را برای عدم اجابت درخواست که بین بانک و مشتری در اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا منعقد می‌گردد در حکم اسناد رسمی بوده و از کلیه مزایای اسناد تجاری از جمله عدم نیاز به تودیع خسارت احتمالی بابت اخذ قرار تامین خواسته برخوردار می‌باشد.»

بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی صرف سند تجاری بودن را شرط کافی برای اجابت درخواست صدور قرار تامین ندانسته بلکه مقنن شرط دیگری را نیز اضافه نموده و آن واخواست شدن این اسناد می‌باشد. در خصوص چک زمانی این پرسش مطرح بود که آیا گواهی عدم پرداخت بانک محال‌علیه را می‌توان در حکم واخواست و نازل منزله آن تلقی نمود یا خیر؟ مطابق معمول در این مورد بین حقوقدانان و قضات محاکم اختلاف عقیده و تهاافت نظر وجود داشت که النهایه رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۳۶ مورخه ۶۹/۷/۱۰ با اعلام این مطلب که گواهی عدم پرداخت بانک محال‌علیه به منزله واخواست می‌باشد به این اختلافات پایان داد. لیکن نظر به اینکه عالم حقوق معرکه آراء است و عدم استعمال صحیح واژگان حقوقی و یا زیاده‌گویی گاه باعث ایجاد مباحث و اختلافات جدید می‌شود. رای وحدت رویه فوق نیز خود منشاء بروز مجادلات جدیدی شد که به نظر می‌رسد حل آن مستلزم صدور رای وحدت رویه جدیدی باشد! قبل از تقریر محل نزاع لازم است عین رای وحدت رویه فوق نقل شود. رای شماره ۵۳۶ هیات عمومی دیوان عالی کشور چنین مقرر داشته: «قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ در مادتين ۲ و ۳ و قانون تجارت به شرح مواد ۳۱۰ و ۳۱۵ شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده قرار تامین بدون تودیع خسارت احتمالی کافی می‌دانند. گروه دوم برای توجیه عقیده خود دلایلی چند ابراز داشته‌اند که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۱- اصل تفکیک قوا که اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را به طور نسبی و با شیوه خاص پذیرفته است تمهیدی برای محو استبداد و دفاع و صیانت از آزادی حداکثر مردم است. بر این اساس هر یک از قوا متصدی امری از امور زمامداری کشور می‌گردند و قسمتی از حاکمیت از طریق سازمان‌های ذی‌ربط اعمال می‌گردند. بر

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۳۶ مورخه ۶۹/۷/۱۰ با اعلام این مطلب که گواهی عدم پرداخت بانک محال‌علیه به منزله واخواست می‌باشد به این اختلافات پایان داد

ارائه چک بعد از ۱۵ روز از تاریخ صدور به بانک مسئولیت ظهرنویس را منتفی ساخته و به تبع آن صدور قرار تامین خواسته نیز کان لم یکن گشته و به این ترتیب بحث از اخذ خسارت احتمالی منتفی و بلاموضوع خواهد بود

شود به سبب دارا بودن وصف کیفری شاکی می‌تواند نسبت به تامین و توقیف اموال مشتکی عنه و یا صادرکننده چک اقدام نماید. از باب عمومات قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۷۴ این قانون و از باب مقررات اختصاصی در ماده ۱۴

قانون صدور چک بلامحل مصوب سال ۵۵ نسبت به این موضوع پیش‌بینی حکم شده است و به مرجع کیفری اختیار داده شده است که از باب تامین ضرر و زیان ناشی از جرم که همان وجه و مبلغ مندرج در متن چک می‌باشد اقدام نماید. در این مورد نیازی به تودیع خسارت احتمالی از ناحیه شاکی نیست. صلاحیت دادگاه کیفری در رسیدگی به این امر که ماهیت مدنی دارد از باب صلاحیت استثنایی است که مقنن بر عهده او گذاشته است و از این حیث مطابق با حیثیت حقوقی خود و مطابق مقررات مدنی و تجاری حاکم اقدام می‌نماید. پذیرش عقیده اخیر به معنای قبول وجود سازگاری بین مقررات مدنی و جزایی است و این همان چیزی است که اساتید حقوق با عنوان «روح قانون» از آن یاد می‌نمایند. بنابراین چنانچه لازم بود که بعد از گذشت ۱۵ روز از تاریخ واخواست و اخذ گواهی عدم پرداخت بانک محل علیه در توقیف اموال خسارت احتمالی اخذ شود، لازم می‌شد که در ضرر و زیان ناشی از جرم چک بلامحل نیز این قید مراعات گردد. حال آنکه رویه مراجع کیفری اعم از دادسرا و دادگاه جزایی چنین نیست و در صدور قرار تامین مستند به چک پرداخت نشده مهلت ۱۵ روز را موثر در مقام ندانسته و در صورت اجتماع شرایطی که منجر به بقاء وصف کیفری چک می‌گردد بدون اخذ تامین اقدام می‌نمایند.

۴- یقین داریم و اصل و قاعده کلی این است که اسناد تجاری واخواست شده از امتیاز اخذ تامین بدون تودیع خسارت منتفی می‌باشند و شرایط آن را نیز شارع در قانون تجارت و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پیش‌بینی نموده است. حال شک می‌نماییم که شرط جدیدی به شروط قبلی توسط رای وحدت رویه اضافه شده است یا خیر؟ اصل استصحاب و اصل عدم حدوث حادث ایجاب می‌نماید تا زمانی که یقین سابق به موجب یقین دیگری زایل و ساقط نشده است به آن عمل نماییم و شک لاحق نمی‌تواند اعتبار یقین سابق را مخدوش نماید. از طرفی شان هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز در مقام توحید رویه‌های محاکم، شان تفسیری است و نه تاسیسی و در این مورد نیز چنانچه تردید شود که آیا هیات عمومی دیوان عالی قادر است شرطی بر شروط قانونی بیفزاید و یا از آن کم نماید و یا قاعده جدیدی ایجاد نماید اصل بر این است که از چنین قدرتی برخوردار نیست.

ملخص استدلال گروه اخیر چنین است که هیات عمومی دیوان عالی کشور با ذکر جمله معترضه در ظرف ۱۵ روز به بانک مراجعه شده در مقام بیان حکم جدیدی نبوده است و اگر هم بوده از محدوده اختیارات قانونی خود تجاوز کرده است. این نتیجه علاوه بر اینکه با مزایا و فواید اسناد تجاری که فوقا به آنها اشاره شده انطباق دارد بلکه با اصول و قواعد حقوقی نیز سازگاری بیشتری دارد.

منبع:

کاتبی حسینقلی، چاپ ششم، ص ۱۸۲ و ۱۸۳ - مقدمه علم حقوق کاتوزیان ناصر، چاپ ۷۳، ص ۱۵۱

در مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات. بر گواهی عدم پرداخت بانک محل علیه اثری بار نکرده و چنین چکی را محروم از امتیازات قانونی مربوطه می‌دانستند. دیوان عالی کشور با اعلام اینکه گواهی عدم پرداخت در حکم واخواست‌نامه و پروتست می‌باشد به تمام اختلافات در این مورد پایان داد. جمله معترضه فوق در رای وحدت رویه استرداد بیان شده و به هیچ وجه دلالت ندارد که گواهی عدم پرداخت چنانچه در مدت ۱۵ روز از تاریخ صدور اخذ شود در حکم واخواست می‌باشد و بعد از گذشت ۱۵ روز دیگر عنوان واخواست بر آن قابل اطلاق نیست. اگر هم چنین باشد واجد اثر نیست، زیرا دیوان عالی کشور از محدوده اختیار مضیق و استثنایی خود پا را فراتر گذاشته و در مورد موضوعی اظهار نظر کرده که در حیطه صلاحیت او نبوده است. از طرفی همان گونه که دادرسی در تفسیر قوانین ملزم به رعایت تکنیک‌های استنباط می‌باشد در تفسیر رای وحدت رویه نیز که در حکم قانون است همین الزامات را باید مراعات نماید. چون بکارگیری این ابزارها او را به مراد و منظور واقعی واضع و در این مورد خاص مفسر رهنمون می‌سازد. از لحاظ نظری بر مبنای اصول و قواعد حاکم بر مکتب تحلیلی برای تعیین اراده واقعی قانون‌گذار اعمال مقدماتی تهیه قوانین از قبیل مذاکرات انجام شده و گفت‌وگوهای اعضای کمیسیون‌ها بهترین راهنماست. در تفسیر آراء وحدت رویه نیز گزارش پرونده‌های مطروحه و تعقیب جریان رسیدگی دادگاه‌ها و آراء صادره می‌تواند کمک خوبی جهت کشف مراد واقعی اعضا هیات عمومی دیوان عالی کشور باشد. لازم به تاکید است که آنچه هیات عمومی دیوان عالی کشور در صدور رای وحدت رویه انجام می‌دهد وضع قانون جدید و یا تاسیس یک قاعده حقوقی نوین نیست؛ بلکه وظیفه این هیات ارائه تفسیر صحیح از قانون یا قوانینی است که شعب دادگاه‌ها و یا شعب دیوان عالی کشور استنباط مختلف و متفاوتی از همان قانون در مقام صدور رای داشته‌اند. نظر مشورتی اداره حقوقی به شماره ۷/۶۶۷۰ مورخه ۸۲/۸/۸ که اظهار داشته «آراء وحدت رویه ناسخ قانون نیست بلکه تفسیر قانون و لازم‌الاتباع است» این نظر را تایید می‌نماید.

۲- مضافاً اینکه عبارت «که در ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور» مذکور در رای وحدت رویه شماره ۵۳۶ عیناً ماخوذ از ماده ۳۱۵ قانون تجارت می‌باشد. مقنن در این ماده رعایت مهلت فوق را صرفاً موثر در وضعیت ظهرنویس دانسته است. در این ماده قانون‌گذار چنین مقرر داشته است: «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و ...». بدیهی است مطابق حکم این ماده ارائه چک بعد از ۱۵ روز از تاریخ صدور به بانک مسئولیت ظهرنویس را منتفی ساخته و به تبع آن صدور قرار تامین خواسته نیز کان لم یکن گشته و به این ترتیب بحث از اخذ خسارت احتمالی منتفی و بلاموضوع خواهد بود. بنابراین عقلاً و منطقاً نیز قابل قبول نیست که مهلت ۱۵ روزه ماده ۳۱۵ قانون تجارت که رعایت آن موثر در مسئولیت ظهرنویس می‌باشد به مقوله اخذ خسارت احتمالی در صدور قرار تامین خواسته به طرفیت صادرکننده چک تسری یابد و اگر چنین ضرورتی وجود داشت مقنن خود به این مهم اقدام می‌نمود و مستفاد چنین است که هیات عمومی دیوان عالی کشور از محدوده اختیار تفسیری خود تجاوز نموده و حکم جدیدی وضع نموده است که این امر از مصادیق و افراد اجزای «اجتهاد در مقابل نص» می‌باشد.

۳- چنانچه از نقطه نظر جزایی نیز به این مساله نگریسته شود این مطلب تایید و تقویت می‌گردد. می‌دانیم مطابق قانون صدور چک بلامحل چنانچه چک ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ صدور به بانک ارائه شده و یا در مدت ۶ ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت بانک محل علیه شکایت کیفری مطرح